

فوتبال یا قدرت نرم

Football or soft power

ایلیا کرد

دانش آموز پایه هفتم و همیار طبیعت
aylyakrd@gmail.com

مهرداد ربیعی

دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه مفید
mehrdrabicy@gmail.com

چکیده

امروزه نقش ورزش و فوتبال از یک فعالیت بدنی یا نوعی تفریح فراتر رفته و کارکردهای مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مهم‌تر از آن سیاسی و بین‌المللی پیدا کرده است. نفوذ ورزش در سراسر جهان و اسناد بین‌المللی جدید باعث توجه ویژه به ورزش شده است. بین‌المللی شدن بسیاری از ورزش‌ها موجب شده تا کشورها به رقابت ورزشی بین‌المللی به عنوان عرصه‌ای برای کسب فرصت و پیشبرد منافع ملی و تحقق اهداف سیاسی و بین‌المللی خود توجه کنند. بر این اساس مفهوم دیپلماسی ورزشی در کنار انواع دیپلماسی‌های دیگر به عنوان قدرت نرم ظهور کرده است. این بررسی جایگاه و نقش فوتبال را در سطح بین‌المللی به منظور پیشبرد اهداف دیپلماتیک کشورها بررسی می‌کند که فوتبال می‌تواند فراتر از یک ورزش و شبیه قدرت نرم باشد.

کلمات کلیدی: ورزش، دیپلماسی، دیپلماسی عمومی، دیپلماسی ورزشی، بازی‌های المپیک، جام جهانی فوتبال

مقدمه

فوتبال به‌عنوان یکی از ورزش‌های پرطرفدار در دنیا می‌تواند کارکردهای بسیاری در دیپلماسی عمومی و به بیان ساده نزدیک شدن ملت‌ها به یکدیگر داشته‌باشد. امروزه فوتبال از نقش یک ورزش و تفریح و تحرک بدنی خارج شده‌است و می‌تواند در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی تأثیرگذار باشد. به‌عنوان مثال: جام جهانی عرصه‌ای است که در آن کشورهای مختلف از سراسر دنیا باهم به رقابت می‌پردازند و بستری برای کسب اعتبار و افتخار و غرور ملی است. همچنین می‌تواند در سطح بین‌المللی سبب‌ساز کسب منزلتی بین‌المللی و قدرت نرم باشد. در ادامه به بررسی تعریف مفاهیم اصلی پرداخته می‌شوند که به شرح زیر می‌باشند:

۱. دیپلماسی

دیپلماسی یا روابط دیپلماتیک به دانش ارتباط میان سیاستمداران و سران کشورهای جهان گفته می‌شود. در بیان ساده‌تر دیپلماسی هنر مذاکره کردن است که می‌تواند در سطوح مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی برقرار شود.

۲. قدرت نرم

قدرت توان تحمیل اراده خود بر طبیعت، دیگران و خود است. بر پایه تقسیم‌بندی «ژوزف نای»، یکی از نظریه‌پردازان مطرح دکترین قدرت نرم، قدرت بر دو نوع «قدرت سخت^۱» و «قدرت نرم^۲» تقسیم می‌شود. که قدرت سخت به معنای قدرت نظامی یا به عبارت دیگر توانایی تحمیل اراده خود به دیگران با استفاده از زور می‌باشد همچنین قدرت نرم راهی برای

۱. Hard power

۲. Soft power



المپیک

در دهه گذشته آمده است؛ از «جنگ بدون شلیک» تا «ابزار توسعه صلح پایدار» (۱)، که همه آنها به دنبال فهم بهتر تعاملات عرصه بین‌الملل و دوستی‌ها و کمک به از بین بردن کلیشه‌ها و تعصب بوده‌اند. ورزش ابزاری «کم‌خطر، کم‌هزینه و پرمحتوا» برای فعالیتهای دیپلماتیک است [1]. در تعریفی جامع دیپلماسی ورزش را می‌توان بخش پررنگ دیپلماسی عمومی نامید که در آن از تمامی ظرفیتهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری ورزش یک کشور از قبیل تجهیزات و فضاهای ورزشی، ورزشکاران، مربیان، مدیران ورزشی، استفاده می‌شود تا قدرت‌نرم آن کشور در عرصه بین‌الملل تقویت‌گردد (۲). ورزش می‌تواند در جایگاه پدیده‌ای آزاد از تعاملات سیاسی مطرح باشد و دیپلماسی ورزش به ارتباطات صرفاً ورزشی میان کشورهای مختلف محدود می‌شود. این دیدگاه با آنچه که فلسفه المپیک می‌باشد همخوانی دارد. ورزش در گره‌گشایی سیاسی، مواجهه فرهنگی و تأثیرگذاری اجتماعی و نفوذپذیری مرزها و ملل دنیا نقش شایانی دارد. کم‌توجهی به زمینه مهم دیپلماسی ورزشی می‌تواند سبب‌ساز کاهش و تضعیف منابع سیاست خارجی کشور ایران شود و بسیاری از ظرفیتهای بالقوه کشور را غیرفعال نگاه دارد که آسیبی بزرگ برای تأمین منافع ملی به شمار می‌آید.

فوتبال و قدرت نرم

فوتبال دارای ظرفیتی بی‌بدیل برای پیاده‌سازی سیاست‌های

رسیدن به نتایج و اهداف دلخواه بدون تهدید و تشویق آشکار است.

۳. دیپلماسی عمومی

دیپلماسی عمومی یک فرهنگ دیپلماسی نوین است که بر شفافیت، نفوذپذیری مثبت و بازبودن جوامع و همسازی بازیگران جامعه مدنی و ملی برپا باشد. این شکل از دیپلماسی ارتباط با گروه‌های تأثیرگذار، رهبران احزاب سیاسی، افراد و جریان‌های صاحب نفوذ، نخبگان و پیشگامان سیاست، اقتصاد، فرهنگ و رسانه به عنوان پرورش‌دهندگان اذهان عمومی در راستای جهت‌دهی مفاهیم و افکار هماهنگ و سازگار با اهداف کلان سیاست خارجی می‌باشد. این دیپلماسی سه حالت مهم دارد: ۱- تعاملات و ارتباطات روزمره که شامل گزارش‌ها و تصمیمات سیاسی داخلی و خارجی برای شهروندان داخل کشور است. ۲- مناسبات استراتژیک که مجموعه‌ای از ایجاد بحث‌ها، گفت‌وگوها، مناقشه‌ها و مجادلات برای اثرگذاری بر اذهان عمومی است. ۳- توسعه و گسترش پیوندهای متمادی و مستمر با افراد و گروه‌های مفید و مؤثر بر بدنه اجتماعی و جریان‌های داخلی دیگر کشورها از طریق اعطای امتیازهای مطالعاتی، بورس تحصیلی، نشست‌ها و همایش‌ها و دسترسی به شبکه‌های رسانه‌ای است.

دیپلماسی ورزشی

تعاریف مختلفی از دیپلماسی ورزش در متون مختلف به ویژه

شرکت سرمایه‌گذاری عمومی چینی (CMC) ۱۳ درصد سهام از گروه (CFG)، متعلق به گروه ابوظبی امارات را به دست آورد و اخیراً باشگاه فوتبال سیچوان جیونیو^۵ چین را خریداری کرده است. نمونه دیگر مسابقات نمایشگاه‌های فوتبال است که در چین برگزار می‌شود و باعث همگرایی اقتصادی کشورهای سرمایه‌گذار در طرح کمربندی و جاده (BRI) می‌باشد که یک استراتژی توسعه جهانی است که در سال ۲۰۱۳ توسط دولت چین اتخاذ شده و شامل توسعه زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری در تقریباً ۷۰ کشور و سازمان‌های بین‌المللی در آسیا، اروپا و آفریقا است [2]. این موردکاوی با استناد به بررسی ادبیات و تحلیل این اسناد سیاست‌گذاری عمومی، بیانگر اهمیت آن است که حتی کشوری با قدرت اقتصادی چین درصدد است تا ضمن شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری و توسعه صنعتی از ورزش به‌عنوان ابزاری برای افزایش قدرت نرم و همچنین کمک برای تأثیرگذاری فزاینده دیپلماسی عمومی بهره‌برداری لازم را داشته باشد.

فرهنگی اجتماعی و متقاعدسازی اذهان عمومی و اصلاح دیدگاه‌های نادرست در یک کشور می‌باشد. در اکتبر سال ۲۰۱۴ چین سیاست «نظرات برای تسریع در توسعه صنعت ورزش و ترویج فرهنگ گرایش به ورزش» را مورد توجه قرار داد. از آن زمان، سایر اسناد سیاست‌های عمومی برای افزایش رشد صنعت ورزش چین با ارتقای بخش‌های استراتژیک برای تحقق یک هدف جسورانه منتشر شده است. این کشور تا سال ۲۰۲۵ صنعت ورزشی ۸۱۳ میلیارد دلاری برای اقتصاد کشور ایجاد می‌کند. دو مورد از این سیاست‌های عمومی عبارت‌اند از: «برنامه توسعه متوسط و بلندمدت فوتبال» (۲۰۱۶-۲۰۵۰) و «برنامه اقدام برای توسعه گردشگری ورزشی - کمربندی و جاده» (۲۰۱۷-۲۰۲۰). این برنامه‌ها همچنین به روابط دیپلماتیک و تجاری چین مرتبط هستند. هر دو برنامه صراحتاً درک خود را از ورزش به‌عنوان ابزاری برای دیپلماسی عمومی و قدرت نرم نشان می‌دهند و این قبلاً در عمل دیده شده است. به‌عنوان مثال در سال ۲۰۱۵ یک



فوتبال در خدمت دیپلماسی

فوتبال در خدمت دیپلماسی

و تحقق اهداف سیاسی و بین‌المللی خود توجه کنند. در این چارچوب است که مفهوم دیپلماسی ورزشی در کنار انواع دیپلماسی‌های دیگر ظهور کرده است. این مقاله تلاش کرده است جایگاه و نقش ورزش را به‌ویژه در رویدادهای بزرگ ورزشی بین‌المللی به‌منظور پیشبرد اهداف دیپلماتیک کشورها بررسی کند. بررسی‌های انجام‌شده در این پژوهش نشان داد که نقش ورزش و فعالیت‌های ورزشی که جزئی از بافت اساسی اجتماعی- فرهنگی کشورهاست، اکنون از یک فعالیت بدنی یا نوعی تفریح و سرگرمی فراتر رفته و کارکردهای مختلف بهداشتی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی و به‌ویژه نقش و جایگاه سیاسی و بین‌المللی پیدا کرده است. اهمیت یافتن قدرت نرم در روابط بین کشورها از یک سو و بین‌المللی شدن ورزش از سوی دیگر موجب شده است تا ورزش، به منزله منبع و ابزار اعمال قدرت نرم کشورها ظهور کند. همچنین کارکردهای بین‌المللی ورزش و رویدادهای ورزشی موجب شده تا در دیپلماسی عمومی کشورها به جایگاه ورزش، تیم‌های ورزشی و ورزشکاران در رساندن پیام یک ملت به سایر ملت‌ها توجه ویژه‌ای شود. علاوه بر این در نظام بین‌الملل که کشورها به دنبال افزایش قدرت، ثروت، جایگاه و منزلت خود هستند، ورزش ابزاری مناسب و در دسترس برای رسیدن به این اهداف مطرح شده است. کارکردهای مختلف بین‌المللی ورزش و رویدادهای بزرگ ورزشی بین‌المللی موجب شده تا در کنار انواع دیپلماسی‌ها، دیپلماسی ورزشی نیز ظهور کند. در این راهبرد ورزش ابزار سیاست دولت است که از طریق آن دستاوردها و پیروزی‌های قهرمانان و ورزشکاران کشور به نظام سیاسی- اقتصادی مرتبط می‌شود تا امکان برتری نظامی بر سایر نظام‌ها نشان داده شود. امروزه جهان شاهد گسترش شدید دیپلماسی ورزشی و بهره‌گیری دولت‌ها از این امر برای پیشبرد اهداف بین‌المللی و تحقق اهداف و منافع ملی‌شان است و نکته آخر اینکه جمهوری اسلامی به دلیل توان بالقوه ورزشی کشور می‌تواند با شکل دادن به دیپلماسی ورزشی خود از ورزش و رویدادهای ورزشی بین‌المللی به‌منظور بستری برای پیشبرد اهداف فرهنگی خود در سطح بین‌المللی بهره‌مند شود.

در استراتژی قدرت نرم سیاستگذاران نگاه خود را در جام جهانی فراتر از برد و باخت در زمین فوتبال، متمرکز بر کارکردهای اجتماعی، فرهنگی و تفریحی ورزش کرده و میدان فراخ جام جهانی فوتبال را به عرصه‌ای برای معرفی دستاوردهای اجتماعی و فرهنگی کشور خود تبدیل می‌کنند. با این شرایط جام جهانی قطر می‌تواند برای کشورهایی که مدعی اصلی قهرمانی یا عنوان در این رقابت‌ها نیستند، دستاوردی متفاوت از نتیجه داشته باشد و آن میل به دیدن است. درحالی‌که در چهار دهه گذشته رویکردهای متفاوتی مانند تقویت تفکر مقاومت، تعامل با دنیا و مذاکره توسط دولت‌های مختلف در ایران پیگیری شد، در سال‌های آغازین دهه پنجم و درحالی‌که ایران در شرایط کنونی آماج حملات رسانه‌ای و تبلیغات سوء کشورهای منطقه و ابرقدرت‌های جهانی قرار گرفته است، فوتبال می‌تواند نقش بارزی در پاک کردن برخی از پیش‌زمینه‌های شهروندان داشته باشد (۳).

به عبارتی ایران در جام جهانی پیش رو می‌تواند بازیکنان و هواداران اعزامی به قطر را به سفیرانی تبدیل کند که با حضور خود در میدان‌ها و شهرهای محل برگزاری مسابقات، ذهنیت‌های منفی را از ذهن شهروندان جهانی پاک کند. کنش‌های اجتماعی و تعامل آزاد بازیکنان با تیم‌های خارجی و دیدار و گفتگوهای هواداران فوتبال موجب می‌شود بسیاری از پیش‌زمینه‌های ذهنی دیکته شده به شهروندان دیگر کشورها، به سمت‌وسوی مثبت گرایش پیدا کند. با این شرایط است که فوتبال و دیپلماسی ورزشی به راهکاری برای غلبه بر موانع دیپلماسی سیاسی تبدیل خواهد شد.

جمع‌بندی

امروزه ورزش به‌طور گسترده در سراسر جهان رواج یافته و اسناد بین‌المللی جدید نیز به نوعی به ورزش توجه کرده‌اند. بین‌المللی شدن بسیاری از ورزش‌ها موجب شده تا کشورها به رقابت ورزشی بین‌المللی، میدان برای پیشبرد منافع ملی

منابع فارسی

- (۱) شریعتی فیض آبادی م، ناظمی م. «طراحی مفاهیم فرهنگ صلح ساز ورزش در توسعه روابط بین‌الملل (مطالعه موردی طرح جهان عاری از خشونت و افراطی‌گری ریاست جمهور ایران)». فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی. ۱۳۹۶. شماره ۲۴. صص. ۱۸۸-۱۶۳.
- (۲) شریعتی فیض‌آبادی، مهدی. «طراحی مؤلفه‌های شکل‌دهنده دیپلماسی ورزشی جمهوری اسلامی ایران» رساله دکترا دانشکده تربیت بدنی دانشگاه تهران. ۱۳۹۴.
- (۳) فوتبال در خدمت دیپلماسی: خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۵ خرداد ۱۳۹۷، قابل دسترس در لینک www.irna.ir/news/۸۲۹۲۵۷۴۲

منابع انگلیسی

- [1] Pigman G, Rofe, J. Sport and Diplomacy. An Introduction. Sport in Society. 2014. 17(9), 1095-1097.
- [2] Leite Junior E., Rodrigues Belt, Road and Ball: Football as a Chinese Soft Power and Public Diplomacy Tool. In: Leandro F., Duarte P. (eds) The Belt and Road Initiative. Palgrave Macmillan, Singapore. 2020.